

تاثیر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی، سودآوری، اهرم مالی و مدیریت سود بر اجتناب از پرداخت مالیات در بورس اوراق بهادار تهران

دکتر علیرضا اسکندری

استادیار گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی رسام، کرج، ایران. (نویسنده مسئول).

a.eskandari@rasam.ac.ir

سمیه درستان

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی رسام، کرج، ایران.

somaye3169@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی تاثیر مکانیسم های حاکمیت شرکتی، سودآوری، اهرم مالی و مدیریت سود بر اجتناب از پرداخت مالیات در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. اطلاعات اخذ شده در رابطه با متغیرهای تحقیق وارد صفحه گسترده اکسل شده و سپس با استفاده از نرم افزار ایویوز ۱۱ تحلیل شدند. جامعه آماری این پژوهش به روش حذف سیستماتیک از میان ۱۵۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ می باشد. نتایج فرضیه های یک تا پنج به ترتیب نشان داد که تعداد اعضای کمیته حسابرسی بر اجتناب از پرداخت مالیات تأثیر معکوس و معناداری دارد. استقلال هیئت مدیره بر اجتناب از پرداخت مالیات تأثیر معکوس و معناداری دارد. سودآوری شرکت بر اجتناب از پرداخت مالیات تأثیر معکوس و معناداری دارد. اهرم مالی شرکت بر اجتناب از پرداخت مالیات تأثیر مستقیم و معناداری دارد. مدیریت سود بر اجتناب از پرداخت مالیات تأثیر مستقیم و معناداری دارد. اجتناب مالیاتی می تواند انعکاسی از نظریه مسأله نمایندگی باشد و ممکن است منجر به تصمیمات مالیاتی شود که منافع شخصی مدیر را دنبال کند. لذا یکی از چالش های پیش روی سهامداران و هیأت مدیره، یافتن روشها و انگیزه های کنترلی است تا هزینه های نمایندگی را به حداقل برسانند. شرکت هایی که از میزان بالای اهرم مالی برخوردارند؛ بعلت افزایش در ریسک ورشکستگی؛ بیشتر اقدام به اجتناب مالیاتی می کنند. اجتناب از پرداخت مالیات می تواند منابع مالی را در اختیار شرکت قرار دهد که موجب افزایش سودآوری و کاهش اهرم مالی شرکت گردد که همراه با دستکاری در صورت های مالی و مدیریت سود خواهد بود و در نقطه مقابل آن هم می تواند موجب بی اعتباری شرکت و افزایش هزینه نمایندگی شود.

واژگان کلیدی: حاکمیت شرکتی، سودآوری، اهرم مالی، مدیریت سود، اجتناب از پرداخت مالیات.

مقدمه

وجود یک نظام حاکمیت شرکتی نیرومند و مستحکم در شرکتها، رفتار فرصت طلبانه و سودجویانه مدیران را محدودتر می کند و عامل مهمی در کاهش تمایل مدیران برای مدیریت سود می باشد. بنابراین کیفیت و ویژگی قابل اعتماد بودن گزارشگری مالی بهبود خواهد یافت. بنابه دلایلی مانند وجود امتیاز ویژه در رفتار مالیاتی، اصول کلی وضع مالیات و کاستی هایی در قوانین و مقررات مالیاتی ممکن است برای مؤدیان فرصت استفاده از راهکارهای قانونی جهت کاهش و یا عدم انجام تعهد مالیاتی آنان فراهم آید. بحث حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی؛ به نظر می رسد در مورد شرکت های با جدایی مالکیت بیشتر مطرح باشد، زیرا افراد حقیقی به خاطر وجود احتمال کشف و جریمه شدن و ریسک گریزی و یا انگیزه های درونی مثل وظیفه اجتماعی کمتر درگیر فرار و اجتناب مالیاتی میشوند. در شرکتها سهامداران به طور

معمول، انتظار دارند که مدیران بدنبال منافع شخصی خود باشند و تا مادامی که منافع اضافی حاصل از کاهش بدهی‌های احتمالی بیشتر از هزینه اضافی مورد انتظار برای آن‌ها باشد، بدنبال کاهش بدهی‌های مالیاتی و اجتناب مالیاتی باشند. بنابراین، اجتناب مالیاتی می‌تواند انعکاسی از نظریه مسأله نمایندگی باشد و ممکن است منجر به تصمیمات مالیاتی شود که منافع شخصی مدیر را دنبال کند. لذا یکی از چالش‌های پیش روی سهامداران و هیأت مدیره، یافتن روش‌ها و انگیزه‌های کنترلی است تا هزینه‌های نمایندگی را به حداقل برسانند. مدیریت سود به رفتار آگاهانه‌ای اطلاق می‌شود که از جانب مدیریت شرکت و به طور عمدی برای کاهش نوسان‌های دوره‌ای سود انجام می‌شود. به طور عام، پژوهشگران بر این باورند که سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که دارای یک روند سودآوری یکنواخت و ثابت باشند و شرکت‌هایی که سود پر نوسانی گزارش می‌کنند، ریسک بیشتری نسبت به شرکت‌های دیگر دارند. تحلیلگران مالی، سود را به عنوان یک عامل اساسی در بررسی‌ها و قضاوت‌های خود مد نظر قرار می‌دهند. به همین دلیل، مدیران برای نشان دادن تصویری مطلوب از شرکت و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری انگیزه‌ای قوی دارند تا سود را مدیریت کنند (یوجا و بروسا، ۲۰۱۱). در بیشتر کشورها، بخش عمده‌ای از منابع درآمدی دولت، از طریق مالیات تأمین می‌شود. سهم مالیات از کل درآمدهای عمومی در میان کشورها، متفاوت است و میزان آن بستگی به سطح توسعه و ساختار اقتصادی آن‌ها دارد. در این میان، فرار مالیاتی و اجتناب از مالیات در کشورها باعث شده است تا درآمدهای مالیاتی کشورها، همواره از آنچه که برآورد می‌شود کمتر باشد. در فرار مالیاتی، عوامل اقتصادی از ارائه گزارش درست در مورد درآمدهای حاصل از کار یا سرمایه خود که مشمول پرداخت مالیات می‌شود، امتناع می‌کنند در واقع یک نوع عمل غیر رسمی انجام می‌دهند که مالیات را از چشم مقامات دولتی و مالیاتی کشور دور نگه دارند. گرچه در بسیاری از موارد عوامل اقتصادی نگران نیستند که عملشان افشا شود (آیت و عرب مازار، ۱۳۹۳). اجتناب از مالیات، از خلاءهای قانونی در قانون مالیات‌ها نشأت می‌گیرد و عوامل اقتصادی به منظور کاهش قابلیت پرداخت مالیات خود دنبال راه‌های گریز می‌گردند. در نظام مالیاتی سه گروه عوامل اجتناب مالیاتی؛ سازمانی، قانونی و ساختاری وجود دارد که عامل سازمانی بیشترین تأثیر را در ایجاد اجتناب از مالیات داشته است. در واقع، مالیات اغلب از سوی سازمان‌ها به عنوان بار تلقی شده و مدیران به دلیل حجم فروش زیاد، نقدینگی، سرمایه در گردش بالا و درآمد مناسب در مقایسه با سایر سازمان‌ها تمایل به کاهش مالیات و در نتیجه اجتناب از مالیات دارند. با توجه به مبانی نظری تحقیق؛ اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند منابع مالی را در اختیار شرکت قرار دهد که موجب افزایش سودآوری و کاهش اهرم مالی شرکت گردد که همراه با دستکاری در صورت‌های مالی و مدیریت سود خواهد بود و در نقطه مقابل آن هم می‌تواند موجب بی‌اعتباری شرکت و افزایش هزینه نمایندگی شود (بهاروند احمدی، ۱۳۹۲). مدیرانی که بدنبال منافع شخصی خود هستند ساختار شرکت را پیچیده‌تر کرده و معاملاتی را که باعث کاهش مالیات می‌شود، انجام می‌دهند و از این طریق منابع شرکت را در جهت منافع شخصی خود به کار می‌گیرند. وجود ماموران مالیاتی قوی باعث افزایش نظارت بر کار مدیران و کاهش سوء استفاده از منابع داخلی شرکت‌ها شده و حاکمیت شرکتی ضعیف باعث افزایش در سطح اجتناب مالیاتی می‌شود. خلأیی که موجب انجام این تحقیق شده است این است که به عقیده مدیران شرکتها؛ سیستم مالیاتی در ایران نواقص زیادی دارد و عدالت در سیستم امور مالیاتی کمتر دیده می‌شود. همچنین دولت نتوانسته به واسطه دریافت مالیات، خدمات مورد انتظار را انجام دهد. این امر انگیزه‌ای برای اجتناب از پرداخت مدیران از مالیات پرداختی شده که به نظر می‌رسد این منابع مالی ناشی از اجتناب مالیاتی، می‌تواند بر عملکرد شرکت و استفاده از فرصت‌های سرمایه‌گذاری تأثیرگذار باشد. با توجه به مطالب فوق هدف اصلی تحقیق حاضر پاسخ به این سؤال می‌باشد که مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی، سودآوری، اهرم مالی و مدیریت سود چه تأثیری بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد؟

پیشینه پژوهش

نوبخت و نوبخت (۱۴۰۰) در تحقیقی به بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر ارزش شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با حجم نمونه ۱۸۰ شرکت برای سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۸۸ پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اجتناب از پرداخت مالیات بر معیارهای حسابداری ارزش شرکت تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد، به این معنی که با افزایش اجتناب مالیاتی، ارزش شرکت افزایش می‌یابد. شدت این افزایش در ارزش برآوردی شرکت از طریق جریان نقد آزاد ناشی از کسب و کار نسبت به ارزش برآوردی شرکت از طریق جریان نقد آزاد برای واحد تجاری بیشتر است که می‌تواند ناشی از خنثی شدن اثر تأمین مالی در آن باشد. بدین ترتیب نتایج پژوهش حاکی از تأیید تئوری ارزش آفرینی در رابطه بین فعالیت‌های اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت است.

حاجیان و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی به بررسی تأثیر ریسک مالیاتی و اجتناب مالیاتی بر هزینه استقراض شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. نتایج آزمون فرضیه اول نشان داد اجتناب مالیاتی بر هزینه استقراض تأثیر معناداری و مستقیمی دارد. همچنین نتایج آزمون فرضیه دوم نشان داد ریسک مالیاتی بر هزینه استقراض تأثیر معناداری و معکوسی دارد. و در فرضیه سوم نتایج آزمون فرضیه نشان داد نماگر ریسک بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و هزینه استقراض تأثیر معناداری و معکوسی دارد. نتایج تحلیل‌های چند متغیره نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که از پرداخت مالیات اجتناب می‌کنند، نرخ سود بیشتری را به بدهی‌های خود پرداخت می‌کنند. بدیهی است که بستانکاران، اجتناب از مالیات را به عنوان یک منبع ریسک اعتباری تلقی می‌کنند.

وطن خواهان اصفهانی (۱۳۹۹) در تحقیقی به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی (اتکای بر بدهی، تمرکز مالکیت، مالکیت نهادی، نفوذمدیر عامل) بر اجتناب مالیاتی با نقش میانجی‌گر مشوق‌ها پرداخته‌اند. نتایج حاصله حاکی از تأثیر مثبت و معنادار حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی می‌باشد و همچنین زیر مقیاس‌های حاکمیت شرکتی اتکای بر بدهی، تمرکز مالکیت شرکت، مالکیت نهادی با نقش میانجی‌گری مشوق‌ها بر اجتناب مالیاتی آن شرکت تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

محمودی و جبارزاده کنگرلوئی (۱۳۹۸) در تحقیقی به بررسی تأثیر برخی ساز و کارهای حاکمیت شرکتی (استقلال هیئت مدیره، اندازه هیئت مدیره، دانش مالی هیئت مدیره، وجود سهامداران نهادی، تمرکز مالکیت و مالکیت و نفوذ دولت در هیئت مدیره) بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد حاکمیت شرکتی تأثیری معنادار بر سطح اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران داشته باشد. نتایج کلی این پژوهش بیانگر آن است که افزایش برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی باعث کاهش سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها می‌گردد.

کاشانی پور و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی به بررسی تأثیر ارتباط سیاسی و برخی از معیارهای مهم راهبری شرکتی از جمله استقلال هیئت‌مدیره و میزان مالکیت سهامداران نهادی بر تهور مالیاتی و همچنین، بررسی تأثیر این معیارها بر رابطه بین ارتباط سیاسی و تهور مالیاتی پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که برقراری ارتباط سیاسی با دولت تأثیر مثبت و معنادار و وجود اعضاء هیئت‌مدیره مستقل و میزان مالکیت سهامداران نهادی، تأثیر منفی و معنادار بر تهور مالیاتی دارند. همچنین اعضاء هیئت‌مدیره مستقل و میزان مالکیت سهامداران نهادی، رابطه مثبت بین ارتباط سیاسی و تهور مالیاتی را کاهش می‌دهند. با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان دریافت که شرکت‌های دارای ارتباط سیاسی با دولت به دلیل برخورداری از مزایا و امتیازات دولتی، میزان تهور مالیاتی بیشتری دارند که با استفاده از سازوکارهای راهبری شرکتی مانند وجود اعضاء هیئت‌مدیره مستقل و میزان مالکیت سهامداران نهادی می‌توان میزان تهور مالیاتی را کاهش داد و از تأثیر مثبت ارتباط سیاسی بر تهور مالیاتی کاست.

فرنچیک و گرکز (۱۳۹۷) در تحقیقی به بررسی رابطه بین برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس پرداخته‌اند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین درصد اعضای غیر موظف هیأت مدیره و درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی با نرخ مؤثر مالیات، نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات رابطه معناداری وجود دارد اما بین دوگانگی وظایف مدیرعامل با نرخ مؤثر مالیات، نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات رابطه معناداری مشاهده نگردید. همچنین نتایج این تحقیق وجود رابطه معنادار بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی شرکت را مورد تأیید قرار می‌دهد.

لم و لمان^۱ (۲۰۲۱) در تحقیقی به بررسی اثرات سازوکارهای نظام راهبری شرکتی و کیفیت حسابرسی بر اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت‌های بورسی سئول پرداخته‌اند. در راستای این هدف، ۳۳۲ شرکت برای دوره ۸ ساله مورد پژوهش در بازه زمانی ۲۰۱۱ الی ۲۰۱۷ انتخاب شد. برای آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سازوکارهای شاخص حاکمیت شرکتی یعنی شاخص‌های اندازه‌ی هیأت مدیره، استقلال هیأت مدیره و مالکیت نهادی ارتباط منفی و معناداری با شاخص اجتناب از پرداخت مالیات دارند. اما رابطه بین شاخص دوگانگی مدیرعامل و شاخص اجتناب از پرداخت مالیات از لحاظ آماری معنادار نیست. همچنین ضریب تأثیرگذاری متغیرهای توضیح دهنده کیفیت حسابرسی یعنی اندازه مؤسسه حسابرسی و دوره تصدی حسابرس بر شاخص اجتناب از پرداخت مالیات نیز منفی و معنادار است. به عبارت دیگر می‌توان بیان داشت که با بهبود در معیارهای نظام راهبری شرکتی و کیفیت حسابرسی، اجتناب از پرداخت مالیات کمتری در شرکت‌ها مشاهده خواهد شد.

داسکالاکیس و سیلاکی^۲ (۲۰۱۸) در تحقیقی به بررسی رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی، پاداش هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های بورسی نیویورک پرداخته‌اند. در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌ها تعداد ۴۱۲ شرکت که طی سال‌های ۲۰۰۷ الی ۲۰۱۵ انتخاب شدند و از رگرسیون تلفیقی و روش EGLS استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد کیفیت حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی رابطه منفی دارد و هرچه میزان کیفیت حاکمیت شرکتی بیشتر باشد اجتناب مالیاتی کمتری صورت می‌گیرد. همچنین، نتایج این پژوهش نشان داد که پاداش هیئت مدیره با اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری دارد، به عبارت دیگر هر چه میزان پاداش هیئت مدیره بیشتر باشد انگیزه مدیران برای کاهش و فرار از پرداخت مالیات کاهش می‌یابد.

ریکاردو^۳ (۲۰۱۸) در تحقیقی به بررسی اثر سازوکارهای نظام راهبری بر ارتباط بین اجتناب مالیاتی و میزان و ارزش وجوه نقد نگهداری شده در شرکت، پرداخته‌اند. به این منظور داده‌های استخراج شده از ۶۸۰ شرکت از بورس انگلستان، طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶ از طریق مدل رگرسیون با استفاده از داده‌های ترکیبی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سازوکارهای نظام راهبری قوی موجب می‌شوند که رابطه بین اجتناب مالیاتی و سطح نگهداشت وجه نقد و ارزش وجه نقد نگهداری شده در شرکت ضعیف شود.

الدرسون و همکاران^۴ (۲۰۱۸) الدرسون و همکاران (۲۰۱۸) در تحقیقی به بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر مدیریت سود شرکت‌ها در بورس نیویورک پرداخته‌اند. به منظور اندازه‌گیری اجتناب از پرداخت مالیات از شاخص نرخ مؤثر مالیاتی نقدی و برای اندازه‌گیری کارایی سرمایه‌گذاری از الگوی ریچاردسون (۲۰۰۶) استفاده شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، افزایش اجتناب از پرداخت مالیات، مدیریت سود شرکت را افزایش می‌دهد و می‌توان گفت که فعالیت‌های اجتناب

¹ Lem and Leman

² Daskalakis and Sillaki

³ Rikardo

⁴ Eldersoun and et al

از پرداخت مالیات مستلزم پنهان کردن حقایق و انجام معاملات پیچیده است که منجر به رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت و افزایش مدیریت سود شرکت می‌شود.

چن و هو^۱ (۲۰۱۷) در تحقیقی به بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی در بورس نیویورک پرداخته‌اند. شاخص‌های مورد استفاده برای اجتناب از پرداخت مالیات و شفافیت گزارشگری مالی به ترتیب نرخ مؤثر مالیاتی و کیفیت اقلام تعهدی است. نمونه آماری تحقیق شامل ۴۹۹ شرکت طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ است. برای آزمون فرضیه تحقیق از رگرسیون حداقل مربعات معمولی برای داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی، شفافیت گزارشگری مالی شرکت را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات مستلزم پنهان کردن حقایق و معاملات پیچیده است که بر محیط اطلاعاتی شرکت تأثیر منفی می‌گذارد و باعث کاهش شفافیت گزارشگری مالی شرکت می‌شود.

پودیانتی^۲ (۲۰۱۵) در تحقیقی با استفاده از ۱۵۰ شرکت نمونه به بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر رابطه جریان‌های نقدی آزاد و ریسک ورشکستگی پرداخت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که با ۹۵ درصد اطمینان، تغییرات جریان‌های نقدی آزاد با تغییرات ثروت سهامداران ارتباط معنا داری دارد. همچنین او در این تحقیق نشان داد که بین جریان‌های نقدی آزاد مثبت و ریسک ورشکستگی رابطه معکوس معناداری وجود دارد ولی بین جریان‌های نقدی منفی و ریسک ورشکستگی رابطه معنادار مستقیمی وجود ندارد. وی در آزمون فرضیه دوم به این نتیجه رسید که با ۹۹ درصد اطمینان، اجتناب از پرداخت مالیات در سطح کل نمونه و در سطح جریان‌های نقدی مثبت باعث تضعیف رابطه جریان‌های نقدی با ثروت ایجاد شده برای سهامداران می‌شود.

رینا و همکاران^۳ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان "پژوهشی با عنوان "جریان‌های نقد آزاد مازاد، اجتناب از پرداخت مالیات و کمیته حسابرسی به این پرداختند که چه قدر جریان نقد آزاد مازاد به اجتناب از پرداخت مالیات مربوط است. در این مطالعه فرض بر این است که مدیران شرکت‌هایی که از جریان‌های نقدی آزاد بالایی برخوردارند شدت عمل بالایی در اجتناب از پرداخت مالیات دارند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کمیته حسابرسی مستقل به شرکت‌های دارای جریان نقدی آزاد، کمک می‌کند تا بر رویه‌های پرداخت مالیات نظارت داشته باشد.

مک لینگ^۴ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ی خود به بررسی عوامل مرثر بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌های کوچک و متوسط در کشورهای یونان و فرانسه پرداختند. مطالعه بر روی ۱۲۵۲ شرکت یونانی و ۲۰۰۶ شرکت فرانسوی طی یک دوره‌ی زمانی ۱۶ ساله از ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۲ انجام شد. نتایج تحقیق نشان داد ساختار دارایی‌ها و سودآوری با نسبت‌های بدهی در هر دو کشور رابطه‌ی منفی دارد و در مورد اندازه‌ی شرکت و فرصت‌های رشد با اجتناب از پرداخت مالیات رابطه‌ی مثبت گزارش شده است.

سوکورب^۵ (۲۰۱۳) به بررسی چگونگی تأثیر وی‌ژگی‌های شرکت‌های کوچک بر اجتناب از پرداخت مالیات آنان در اسپانیا پرداخت. ایشان با استفاده از داده‌های ۶۴۸۲ شرکت در ۸ طبقه‌ی صنعت مطالعه‌ی با هدف بررسی چگونگی تأثیر وی‌ژگی‌های شرکت‌های کوچک بر اجتناب از پرداخت مالیات آنان انجام داد. نتایج تحقیق نشان داد که اجتناب از پرداخت مالیات و سودآوری این شرکت‌ها با ساختار سرمایه‌ی منفی دارد و این در حالی است که اندازه، فرصت‌های رشد و ساختار دارایی‌ها در این شرکت‌ها رابطه‌ی مثبت مؤثری بر ساختار سرمایه دارند.

¹ Chen and Hou

² Pudiantie

³ Rebenan and et al

⁴ Mc ling

⁵ Surkoub and et al

فرضیه‌های پژوهش

۱. تعداد اعضای کمیته حسابرسی بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد.
۲. استقلال هیئت مدیره بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد.
۳. سودآوری بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد.
۴. اهرم مالی بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد.
۵. مدیریت سود بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌ها تأثیر معناداری دارد.

نحوه اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

الف) متغیر وابسته: اجتناب از پرداخت مالیات

در این تحقیق به پیروی از کار دربرنگ و همکاران (۲۰۰۹) و پورحیدری و همکاران (۱۳۹۳) از نرخ مؤثر مالیاتی جهت سنجش اجتناب از پرداخت مالیات استفاده می‌شود (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۳).

$$ETR = \frac{\text{Total Tax Expense}}{\text{Pre Tax Income}}$$

ETR = نرخ مؤثر مالیاتی.

Total Tax Expense = کل هزینه‌های مالیات شرکت.

Pre Tax Income = سود قبل از مالیات شرکت.

ب) متغیرهای مستقل:

- ۱) تعداد اعضای کمیته حسابرسی.
 - ۲) سودآوری (نرخ بازده دارایی‌ها).
 - ۳) مدیریت سود.
- با توجه به این که صورت‌های مالی اطلاعات مربوط و با ارزشی را برای گروه‌های برون سازمانی فراهم می‌کند، اتکای شدید بر اعداد حسابداری و به ویژه سود، انگیزه‌های قدرتمندی را برای مدیران ایجاد می‌کند تا سود را به نفع خودشان دستکاری کنند. مدیریت سود، الزاماً عملکرد واقعی شرکت را منعکس نمی‌کند و ممکن است منجر به ارائه اطلاعات نادرستی در مورد شرکت شود و در نتیجه باعث قضاوت نادرست سهامداران و سرمایه‌گذاران در مورد عملکرد شرکت شود که به این امر مدیریت سود می‌گویند. در این پژوهش "اقلام تعهدی اختیاری" به عنوان جانشین متغیر مدیریت سود مورد استفاده قرار می‌گیرد (مک لینگ، ۲۰۱۴).
- اقلام تعهدی اختیاری اقلامی است که مدیریت بر آن‌ها کنترل دارد و می‌تواند آن‌ها را به تأخیر اندازد و یا حذف کند و یا ثبت و شناسایی آن‌ها را تسریع کند. از آن جایی که اقلام تعهدی اختیاری در اختیار و قابل اعمال نظر توسط مدیریت است، از تعهدی‌های اختیاری به عنوان شاخصی در کشف مدیریت سود استفاده می‌شود (حقیقت و اسدالهی، ۱۳۹۰).

بنابراین در این پژوهش از الگوی تعدیل شده جونز برای بررسی مدیریت سود استفاده شده است. در الگوی یادشده در اولین قدم ارتباط مجموع ارقام تعهدی برای یک دوره زمانی مشخص که به دوره رویداد معروف است با متغیرهای فروش، ناخالص اموال و ماشین آلات و تجهیزات به شرح زیر برآورد می شود فروغی و احمدی، (۱۳۸۹):

$$\frac{TA_{it}}{A_{i(t-1)}} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{i(t-1)}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{it}}{A_{i(t-1)}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{i(t-1)}} \right) + \varepsilon_{it}$$

در این رابطه TA معرف مجموع ارقام تعهدی است که به صورت زیر قابل محاسبه است:

$$TA_{it} = (\Delta CA_{it} - \Delta CASH_{it}) - (\Delta DCL_{it} - \Delta STD_{it}) - DEP_{it}$$

در معادله فوق متغیرها به شرح زیر هستند:

ΔCA_{it} : تغییر در دارایی های جاری سال جاری نسبت به سال قبل.

$\Delta CASH_{it}$: تغییر در وجه نقد سال جاری نسبت به سال قبل.

ΔDCL_{it} : تغییر در بدهی های سال جاری نسبت به سال قبل.

ΔSTD_{it} : تغییر در حصة کوتاه مدت بدهی های بلند مدت سال جاری نسبت به سال قبل.

DEP_{it} : هزینه استهلاک دارایی های مشهود و نامشهود سال جاری.

همچنین، $A_{i(t-1)}$ مجموع دارایی های شرکت در سال قبل، ΔREV_{it} تفاوت فروش سال جاری نسبت به سال قبل و PPE_{it} ، اموال، ماشین آلات و تجهیزات ناخالص و ε_{it} خطای برآورد و α_1 ، 2α و 3α پارامترهای خاص شرکت است. پس از تخمین پارامترهای الگوی شماره (۱)، ارقام تعهدی غیراختیاری (NDA) به شرح زیر برای "دوره برآورد" محاسبه می گردند.

$$NDA_{it} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{i(t-1)}} \right) + \alpha_2 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{i(t-1)}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{i(t-1)}} \right)$$

در مدل فوق ΔREC_{it} معرف تغییر در خالص حساب های دریافتی سال جاری نسبت به سال قبل است.

در مرحله آخر ارقام تعهدی اختیاری (DA) به شرح زیر محاسبه می شود:

$$DA_{it} = \frac{TA_{it}}{A_{i(t-1)}} - NDA_{it}$$

۴) اهرم مالی

این نسبت رابطه منابع مالی مورد استفاده واحد تجاری را از لحاظ بدهی ها یا حقوق صاحبان سهام تعیین و ارزیابی می کند و در واقع نحوه ترکیب آنها را بررسی می نماید. در این پژوهش، برای اندازه گیری اهرم مالی شرکت از تقسیم ارزش دفتری بدهی های بلندمدت بر کل دارایی ها استفاده می شود.

۵) استقلال هیئت مدیره

اعضای غیرموظف به اعضای مستقل هیئت مدیره که فعالیت آنان به صورت پاره وقت است اطلاق می شود که وظیفه نظارت بر رفتار هیئت مدیره موظف شرکت را دارند. نحوه محاسبه استقلال هیئت مدیره از تقسیم نسبت مدیران غیرموظف به کل اعضای هیئت مدیره شرکت در پایان سال مالی می باشد.

ج) متغیرهای کنترلی:

۱. اندازه شرکت (SIZE): اندازه شرکت از طریق لگاریتم فروش شرکت به دست می آید.

۲. فرصت های رشد (GROW): فرصت های رشد شرکت از طریق محاسبه کیوتوبین به دست می آید. نسبت کیوتوبین؛ آماره ای است که می تواند به عنوان نماینده فرصت های رشد شرکت، برای سرمایه گذاران باشد و این پاسخ را به سهامداران

می دهد که مدیریت تا چه اندازه در افزایش ثروت آنها دخیل بوده است. نسبت کیوتوبین از رابطه زیر به دست می آید (میرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۴):

$$\text{Tobin's } Q = \frac{\text{VOCSILOY} + \text{EMVOPSILOY} + \text{BVLTLILOY} + \text{BVCLILOY}}{\text{BVTALLOY}}$$

در فرمول بالا،

VOCSILOY : ارزش سهام عادی در پایان سال،

EMVOPSILOY : برآورد ارزش بازار سهام ممتاز در پایان سال،

BVCLILOY : ارزش دفتری بدهی های جاری در پایان سال،

BVTALLOY : ارزش دفتری کل داراییها در پایان سال،

BVLTLILOY : ارزش دفتری بدهی های بلند مدت در پایان سال، با توجه به اینکه در بورس اوراق بهادار تهران

سهام ممتاز وجود ندارد،

EMVOPSILO : ارزش برابر صفر در نظر گرفته می شود.

۳. ریسک سیستماتیک (RISK): برای اندازه گیری ریسک سیستماتیک از ضریب تغییرات فروش استفاده می شود. زیرا هرچه نوسان فروش بیشتر باشد، محیط فعالیت شرکت با عدم اطمینان بیشتری همراه است (داوان و همکاران، ۲۰۲۰):

$$EU_{i,t} = \frac{\sigma_{Sales}}{\mu_{Sales}}$$

در این معادله:

EU: ضریب تغییرات فروش و شاخص عدم اطمینان محیطی؛

σ_{Sales} : بیانگر انحراف معیار فروش های شرکت طی یک دوره پنج ساله.

μ_{sales} : بیانگر میانگین فروش های شرکت طی یک دوره پنج ساله.

۴. ارزش بازار به ارزش دفتری (M/B): ارزش بازار به ارزش دفتری شرکت از طریق ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به دست می آید (خلیفه سلطانی و همکاران، ۱۳۹۲).

مدل های رگرسیونی پژوهش

مدل های رگرسیونی آزمون فرضیات نیز بصورت زیر می باشد:

$$\begin{aligned} \text{TAX EVOIDENCE } i, t &= \beta_0 + \beta_1 \text{AUDIT COMMITTEE } i, t + \beta_2 \text{INDEPENDENT COMMISSIONER } i, t \\ &+ \beta_3 \text{PROFITABILITY } i, t + \beta_4 \text{LEVERAGE } i, t \\ &+ \beta_5 \text{EARNINGS MANAGEMENT } i, t + \beta_6 \text{SIZE } i, t + \beta_3 \text{GROW } i, t + \beta_3 \text{RISK } i, t \\ &+ \beta_3 \text{M/B } i, t + \epsilon_{i, t} \end{aligned}$$

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر بر مبنای هدف، از نوع کاربردی به شمار می آید. پژوهش حاضر از نقطه نظر روش استنتاج، از نوع توصیفی - تحلیلی می باشد. این نوع از پژوهش مشتمل بر گردآوری اطلاعات دقیق به منظور آزمون فرضیه یا پاسخ به سؤالات مربوط به وضعیت فعلی موضوع مورد مطالعه می باشد. این پژوهش از دیدگاه فرآیند اجرایی از نوع پژوهش علی - همبستگی که با

بهره‌گیری از اطلاعات تاریخی گذشته (شبه تجربی) و بر اساس استدلال قیاسی - استقرایی صورت می‌پذیرد که هدف از آن آزمون فرضیات بیان شده در جهت مشاهده رابطه علی میان متغیرهای مستقل و میزان اثرگذاری آن‌ها بر متغیر وابسته و کشف میزان همبستگی میان متغیرها است. در تحلیل داده‌ها از روش‌های همبستگی و رگرسیون داده‌های ترکیبی با اثرات ثابت به وسیله نرم‌افزار ایویوز ۱۱ استفاده شده است. نوع داده‌ها دست دوم می‌باشد و برای جمع‌آوری اطلاعات مالی از اطلاعات و ارقام موجود در بورس اوراق بهادار تهران استفاده خواهد شد. به همین جهت اطلاعات مورد نیاز، از گزارش‌های مالی منتشر شده از سوی شرکت‌ها، سایت رسمی بورس اوراق بهادار تهران و همچنین از نرم‌افزار بانک اطلاعاتی ره‌آورد نوین استخراج می‌شود. قلمرو تحقیق بازه زمانی ۱۰ ساله از ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ را در بر گرفته و مکان تحقیق بورس اوراق بهادار تهران و مشتمل بر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس می‌باشد.

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش آمار توصیفی

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای کمی پژوهش

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	میان	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	چولگی	کشدگی
اجتناب از پرداخت مالیات	۱۵۹۰	۱۶٪	۱۳٪	۱۲٪	۱۰٪	۲۲٪	۱,۳۰	۰,۹۷
اهرم مالی	۱۵۹۰	۵۹	۶۱	۴۴	۳	۱,۹۸	۲,۶۷	۲,۱۶
مدیریت سود	۱۵۹۰	۱۴٪	۵۷٪	۲۶٪	۲۲٪	۲,۱۵٪	۳,۶۷	۱۹,۸۴
استقلال هیئت مدیره	۱۵۹۰	۴۸٪	۴۳٪	۱۲٪	۳۰٪	۶۹٪	۴,۱۴	۷,۶۵
تعداد اعضای کمیته حسابرسی	۱۵۹۰	۳,۱۲	۳	۴۶	۳	۵	۲,۹۳	۸,۶۵
اندازه شرکت	۱۵۹۰	۱۴,۶۶	۱۴,۳۹	۱,۵۶	۱۰,۰۷	۲۰,۰۷	۱,۶۴	۶,۱۸
فرصت‌های رشد	۱۵۹۰	۱۸٪	۱۱٪	۲۴٪	-۲۳٪	۱,۵۳٪	۱,۰۳	۴,۱۶
ریسک سیستماتیک	۱۵۹۰	۲۴٪	۲۳٪	۲۵٪	۵۷٪	۸۵٪	۱۷	۲,۹۷
ارزش بازار به دفتری	۱۵۹۰	۱۶٪	۱۲٪	۱۴٪	-۶۰٪	۶۲٪	۳,۶۰	۲,۰۳
سودآوری	۱۵۹۰	۱۹٪	۲۶٪	۱۷٪	۳۶٪	۸۲٪	۱,۴۵	۱,۰۴

با توجه به جدول فوق نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش حاضر با نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش خوش کار و همکاران (۱۴۰۰)، نوری صفت و اللهیاری (۱۳۹۷)، آقاعلیخانی و همکاران (۱۳۹۹) و کامیابی و بوژمهرانی (۱۳۹۴) مطابقت دارد.

آزمون نرمال بودن توزیع متغیر وابسته تحقیق

در انجام این تحقیق به منظور تخمین پارامترهای مدل از روش حداقل مربعات معمولی استفاده می‌گردد و این روش بر این فرض استوار است که متغیر وابسته تحقیق دارای توزیع نرمال باشد، به طوری که توزیع غیر نرمال متغیر وابسته منجر به تخطی از مفروضات این روش برای تخمین پارامترها شده و نتایج درستی را ارائه نمی‌دهد. از این رو در ادامه لازم است، نرمال بودن توزیع این متغیر مورد آزمون قرار گیرد. نرمال بودن باقیمانده‌های مدل رگرسیونی یکی از فرض‌هایی رگرسیونی است که نشان‌دهنده اعتبار آزمون‌های رگرسیونی است، بنابراین نرمال بودن متغیرهای وابسته به نرمال بودن باقیمانده‌های مدل (تفاوت مقادیر برآوردی از مقادیر واقعی) می‌انجامد. پس لازم است نرمال بودن متغیر وابسته قبل از برآورد پارامترها

کنترل شود و در صورت برقرار نبودن این شرط راه حل مناسبی برای نرمال نمودن آن‌ها (از جمله تبدیل نمودن آن) اتخاذ نمود. در این مطالعه این موضوع از طریق آماره کولموگروف اسمیرنوف^۱ (S-K) مورد بررسی قرار می‌گیرد. فرض صفر و فرض مقابل در این آزمون به صورت زیر می‌باشد:

$$\begin{cases} H_0 : Normal Distributon \\ H_1 : Not Normal Distribution \end{cases}$$

اگر سطح اهمیت آماره این آزمون بیشتر از ۰/۰۵ باشد (Prob>.05) فرضیه H_0 مبنی بر نرمال بودن توزیع متغیر پذیرفته می‌شود. در جدول (۲) نتایج آزمون S-K برای متغیر ریسک اجتناب مالیاتی شرکت‌های نمونه ارائه شده است.

جدول (۲): نتایج آزمون نرمال بودن متغیر وابسته تحقیق

متغیر	تعداد (N)	آماره (S-K)	سطح اهمیت (Sig)
اجتناب مالیاتی	۱۵۹۰	۱/۷۳۲	۰/۱۰۷

با توجه به این که برای متغیر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت، سطح اهمیت آماره K-S بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرضیه مبنی بر نرمال بودن توزیع این متغیر در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید شده و بیان‌گر این است که متغیر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت از توزیع نرمال برخوردار می‌باشند.

بررسی همبستگی میان متغیرهای تحقیق

ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرهای تحقیق در جدول زیر ارائه شده است. براساس نتایج حاصل از آزمون همبستگی، متغیرهای اهرم مالی، مدیریت سود، اندازه شرکت و ریسک سیستماتیک همبستگی مستقیم و معناداری با اجتناب از پرداخت مالیات دارند. متغیرهای استقلال هیئت مدیره، تعداد اعضای کمیته حسابرسی و فرصت‌های رشد همبستگی معکوس و معناداری با اجتناب از پرداخت مالیات دارند. بین ارزش بازار به دفتری با اجتناب از پرداخت مالیات همبستگی معناداری یافت نشد.

جدول (۳): آزمون همبستگی پیرسون

متغیر	اجتناب از پرداخت مالیات	اهرم مالی	مدیریت سود	استقلال هیئت مدیره	تعداد اعضای کمیته حسابرسی	اندازه شرکت	فرصت‌های رشد	ریسک سیستماتیک	جریان نقدی عملیاتی
اجتناب از پرداخت مالیات	۱	۰/۲۲۳ Sig(.000)	۰/۱۳۷ Sig(.000)	-۰/۲۹۸ Sig(.004)	-۰/۱۱۵ Sig(.000)	۰/۱۹۹ Sig(.000)	-۰/۴۱۲ Sig(.000)	۰/۲۱۰ Sig(.000)	۲۹۱۱۴۵۰ Sig(.095)
اهرم مالی		۱	۰/۲۳۸ Sig(.563)	-۰/۴۱۰ Sig(.338)	-۰/۰۱۲ Sig(.118)	۰/۳۳۲ Sig(.199)	۰/۱۶۴ Sig(.083)	۰/۳۳۲ Sig(.065)	-۰/۱۶۴ Sig(.114)
مدیریت سود			۱	-۰/۵۸۳ Sig(.225)	-۰/۴۲۸ Sig(.153)	۰/۱۱۷ Sig(.115)	-۰/۰۰۳ Sig(.084)	۰/۱۱۷ Sig(.216)	-۰/۰۰۳ Sig(.077)
استقلال هیئت مدیره				۱	-۰/۲۳۸ Sig(.063)	۰/۴۷۸ Sig(.173)	۰/۳۱۹ Sig(.216)	۰/۴۷۸ Sig(.149)	-۰/۳۱۹ Sig(.094)
تعداد اعضای کمیته حسابرسی					۱	۰/۵۱۱ Sig(.229)	۰/۰۱۱ Sig(.082)	۰/۵۱۱ Sig(.165)	-۰/۰۱۱ Sig(.182)
اندازه شرکت						۱	۰/۲۴۰ Sig(.095)	۰/۱۳۴ Sig(.058)	-۰/۴۱۶ Sig(.127)
فرصت‌های رشد							۱	۰/۳۲۶ Sig(.154)	-۰/۲۸۵ Sig(.109)
ریسک سیستماتیک								۱	-۰/۳۸۸ Sig(.073)
ارزش بازار به دفتری									۱

¹ - Kolmogorov-Smirnov

بررسی هم‌خطی میان متغیرهای تحقیق

هم‌خطی به معنای وجود ارتباط خطی بین متغیرهای توضیحی یا مستقل است. یکی از راه‌های شناسایی رابطه هم‌خطی یا عدم هم‌خطی، بررسی رابطه همبستگی بین متغیرهای مستقل است. در صورتی که همبستگی بین متغیرهای مستقل شدید نباشد، مشکل هم‌خطی پیش نمی‌آید. در این مطالعه بررسی رابطه هم‌خطی بین متغیرهای مستقل با بهره‌گیری از ضریب همبستگی پیرسون انجام شده است. همان‌طور که در جدول ۳ مشخص می‌باشد، متغیرهای مستقل و کنترلی هیچ همبستگی با هم ندارند. بنابراین با توجه به این مطلب مشکل هم‌خطی میان این متغیرها، وجود ندارد. در ارتباط با سایر متغیرها با توجه به قوی نبودن همبستگی می‌توان گفت مشکل هم‌خطی میان آن‌ها وجود نداشته و ورود همزمان آن‌ها در مدل موجب ایجاد مشکل هم‌خطی نخواهد شد. آزمون هم‌خطی متغیرهای تحقیق به شرح جدول زیر می‌باشد:

جدول (۴): آزمون هم‌خطی

متغیرها	مقدار ویژه	شاخص وضعیت
اهرم مالی	۲,۱۲۱	۳,۸۳۲
مدیریت سود	۲,۱۰۹	۴,۲۱۷
استقلال هیئت مدیره	۲,۲۱۴	۴,۲۱۷
تعداد اعضای کمیته حسابرسی	۲,۶۵۸	۵,۷۷۳
اندازه شرکت	۲,۷۸۹	۵,۹۸۸
فرصت‌های رشد	۲,۹۲۸	۶,۳۷۶
ریسک سیستماتیک	۳,۲۶۵	۶,۸۲۱
ارزش بازار به دفتری	۳,۴۴۳	۷,۱۹۷

همان‌گونه که مشاهده می‌نمایید؛ مقادیر ویژه نزدیک به صفر همبستگی داخلی پیش بینی‌ها زیاد است و تغییرات کوچک در مقادیر داده‌ها، منجر به تغییرات بزرگ در برآورد ضریب معادله رگرسیون منجر می‌شود. مقادیر ویژه نشان‌دهنده‌ی احتمال همبستگی داخلی بین متغیرها می‌باشد.

اگر شاخص وضعیت بیشتر از ۱۵ باشد و مقدار ویژه نزدیک به صفر باشد؛ این امر نشان‌دهنده احتمال هم‌خطی بین متغیرهای مستقل و کنترلی است و مقادیر بیش از ۳۰ بیانگر مشکل جدی در استفاده از رگرسیون در وضعیت موجود می‌باشد (حساس یگانه و دیگران، ۱۳۸۸).

از آنجایی که شاخص وضعیت برای تمام متغیرهای مستقل و کنترلی کمتر از ۱۵ بوده و مقدار ویژه نزدیک به صفر نمی‌باشد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت مشکل هم‌خطی بین متغیرهای مستقل و کنترلی وجود ندارد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق

در این بخش، برای فرضیه‌های تحقیق ابتدا الگوی لازم برای تخمین مدل تعیین گردیده و سپس مدل تحقیق برآورد و نتایج حاصل از آن تفسیر می‌شود. هم‌چنین برای فرضیات؛ مفروضات آماری مربوط به آن شامل بررسی نرمال بودن باقیمانده‌ها، همسان بودن واریانس باقیمانده‌ها، استقلال باقیمانده‌ها و خطی بودن مدل همراه با توضیحات و نتایج حاصل از آن ارائه می‌گردد.

برای این که بتوان مشخص نمود که آیا استفاده از روش داده‌های پانل در برآورد مدل موردنظر کارآمد خواهد بود یا نه، از آزمون چاو یا F مقید و به منظور این که مشخص گردد کدام روش (اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی) جهت برآورد مناسب‌تر

است (تشخیص ثابت یا تصادفی بودن تفاوت‌های واحدهای مقطعی) از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. نتایج حاصل از این آزمون‌ها در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول (۵): آزمون هم‌خطی

آزمون	تعداد	آماره	مقدار آماره	درجه آزادی	P-Value
چاو	۱۵۹۰	F	۴/۱۷۹۳	۸	۰/۰۰۵۴
هاسمن	۱۵۹۰	χ^2	۳/۳۲۶	۸	۰/۰۲۱۵

با توجه به نتایج آزمون چاو و P-Value آن؛ فرضیه H_0 آزمون در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و بیان‌گر این است که می‌توان از روش داده‌های پانل استفاده نمود. همچنین با توجه به نتایج آزمون هاسمن و P-Value آن که کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، فرضیه H_0 آزمون در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و فرضیه H_1 پذیرفته می‌شود. لذا لازم است مدل با استفاده از روش اثرات ثابت برآورد شود.

برای سنجش اعتبار مدل و بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک لازم است علاوه بر بررسی عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای مستقل وارد شده در مدل، آزمون‌هایی در ارتباط با نرمال بودن باقیمانده‌ها، همسانی واریانس‌ها، استقلال باقیمانده‌ها و عدم وجود خطای تصریح مدل (خطی بودن مدل) نیز انجام شود. برای آزمون نرمال بودن جملات خطا از آزمون‌های مختلفی می‌توان استفاده کرد. یکی از این آزمون‌ها، آزمون جارکیو- برا می‌باشد که در این تحقیق نیز از این آزمون استفاده شده است. نتایج آزمون جارکیو- برا حاکی از این است که باقیمانده‌های حاصل از برآورد مدل تحقیق در سطح اطمینان ۹۵٪ از توزیع نرمال برخوردار هستند، به طوری که احتمال مربوط به این آزمون بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد. یکی دیگر از مفروضات آماری رگرسیون کلاسیک همسانی واریانس باقیمانده‌ها می‌باشد. در صورتی که واریانس‌ها ناهمسان باشند برآورد کننده خطی ناریب بوده و کم‌ترین واریانس را نخواهد داشت. در این مطالعه برای بررسی همسانی واریانس‌ها از آزمون برش پاگان استفاده شده است. با توجه به سطح اهمیت این آزمون که کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد، فرضیه صفر مبنی بر وجود همسانی واریانس رد شده و می‌توان گفت مدل دارای مشکل ناهمسانی واریانس می‌باشد. در این مطالعه برای رفع این مشکل در برآورد از روش برآورد حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده شده است. همچنین در این مطالعه برای آزمون همبسته نبودن باقیمانده‌ها که یکی از مفروضات تجزیه و تحلیل و تحلیل رگرسیون می‌باشد و خود همبستگی نامیده می‌شود از آزمون دوربین واتسون (D-W) استفاده شده است. با توجه به نتایج اولیه برآورد مدل مقدار آماره دوربین واتسون از آنجایی که مابین ۱/۵ و ۲/۵ می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت باقیمانده‌ها مستقل از هم می‌باشند. علاوه بر این، برای آزمون این که مدل دارای رابطه خطی است و این که آیا مدل موردنظر تحقیق از نظر رابطه خطی بودن و یا غیر خطی بودن درست تبیین شده است یا خیر از آزمون رمزی استفاده گردیده است. با توجه به این که سطح اهمیت آزمون رمزی بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرضیه صفر این آزمون مبنی بر خطی بودن مدل تأیید شده و مدل دارای خطای تصریح نمی‌باشد. خلاصه نتایج آزمون‌های فوق در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول (۶): نتایج آزمون‌های مربوط به مفروضات آماری

آماره Ramsey		آماره Durbin-Watson		آماره Breusch-Pagan		آماره Jarque-Bera	
P-Value	F	D		P-Value	F	P-Value	χ^2
۰/۰۹۴۳	۵/۰۳۲۶	۲/۱۵۴		۰/۰۰۴۲	۱/۸۳۵	۰/۷۳۲۵	۱/۱۰۴۵

با توجه به نتایج حاصل از آزمون‌های چاو و هاسمن و نتایج آزمون مفروضات آماری رگرسیون کلاسیک، مدل تحقیق با استفاده از روش داده‌های پانل و به صورت اثرات ثابت برآورد می‌شود.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش آزمون فرضیه اول تحقیق

در این در این تحقیق فرضیه‌ها از طریق جدول رگرسیون زیر مورد آزمون قرار گرفته اند.

جدول (۷): نتایج حاصل از رگرسیون چندمتغیره فرضیه‌های تحقیق

نوع متغیر	نماد	نام متغیر	ضریب	آماره t	سطح معنی‌داری
متغیر وابسته	Y	اجتناب از پرداخت مالیات	-	-	-
مقدار ثابت	α	آلفا	۰/۸۱۵	۴/۱۰۹	۰/۰۰۰
متغیرهای مستقل	X1	تعداد اعضای کمیته حسابرسی	-۰/۵۳۳*	-۴/۷۳۱	۰/۰۰۰
	X2	استقلال هیئت مدیره	-۰/۳۹۱*	-۶/۷۳۱	۰/۰۰۰
	X3	سودآوری	-۰/۲۴۷*	-۷/۷۳۱	۰/۰۰۰
	X4	اهرم مالی	۰/۶۳۶*	۴/۷۸۱	۰/۰۰۰
	X5	مدیریت سود	۰/۱۸۹*	۴/۷۳۱	۰/۰۰۰
متغیرهای کنترلی		ریسک سیستماتیک	۰/۶۲۷*	۵/۰۳۴	۰/۰۰۰
		اندازه شرکت	۰/۱۱۸*	۵/۷۷۵	۰/۰۰۰
		فرصت‌های رشد	-۰/۵۳۸*	-۴/۸۲۵	۰/۰۰۰
		ارزش بازار به دفتری	۰/۳۱۸	۱/۵۵۸	۰/۱۴۳
		دوربین واتسون	۱/۷۷۵	-	-
		آماره F	۷/۱۱۴	-	۰/۰۰۰
	R Square	ضریب تعیین	۰,۵۷۹	-	-
	Adjusted R Square	ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۵۷۲	-	-

*: سطح معنی‌داری برابر با ۰/۰۵ می‌باشد.

همانگونه که این نگاره نشان می‌دهد، چون سطح معناداری متغیرهای تعداد اعضای کمیته حسابرسی، استقلال هیئت مدیره، سودآوری، اهرم مالی، مدیریت سود، ریسک سیستماتیک، اندازه شرکت و فرصت‌های رشد کمتر از ۵ درصد می‌باشد؛ بنابراین این متغیرها بر اجتناب از پرداخت مالیات تأثیر معناداری دارند و نسبت جریان نقدی عملیاتی هیچ تأثیری بر اجتناب از پرداخت مالیات ندارد (زیرا سطح معناداری این متغیر بالاتر از ۵ درصد است). ضریب متغیرها نشان می‌دهد که تأثیر اهرم مالی بر اجتناب از پرداخت مالیات نسبت به بقیه متغیرها بیشتر است. با توجه به مقدار اینکه سطح معناداری آماره F الگوی رگرسیون برازش شده کمتر از ۵ درصد می‌باشد؛ بنابراین رگرسیون معنادار است به عبارت دیگر ارتباط منطقی بین متغیرها ایجاد شده است. با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده، این متغیرها ۵۷/۲ درصد از تغییرات اجتناب از پرداخت مالیات شرکت را توضیح می‌دهند.

آماره دوربین واتسون نیز چون بین ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشد پس می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین جملات خطا در معادلات رگرسیون مشکل خودهمبستگی وجود ندارد.

همانگونه که این نگاره نشان می‌دهد، چون سطح معناداری متغیرهای تعداد اعضای کمیته حسابرسی، استقلال هیئت مدیره، سودآوری، اهرم مالی، مدیریت سود، ریسک سیستماتیک، اندازه شرکت و فرصت‌های رشد کمتر از ۵ درصد می‌باشد؛ بنابراین این متغیرها بر اجتناب از پرداخت مالیات تأثیر معناداری دارند و نسبت جریان نقدی عملیاتی هیچ تأثیری بر اجتناب از پرداخت مالیات ندارد (زیرا سطح معناداری این متغیر بالاتر از ۵ درصد است). ضریب متغیرها نشان می‌دهد که تأثیر اهرم مالی بر اجتناب از پرداخت مالیات نسبت به بقیه متغیرها بیشتر است.

با توجه به مقدار اینکه سطح معناداری آماره F الگوی رگرسیون برازش شده کمتر از ۵ درصد می باشد؛ بنابراین رگرسیون معنادار است به عبارت دیگر ارتباط منطقی بین متغیرها ایجاد شده است.
با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده، این متغیرها ۵۷/۲ درصد از تغییرات اجتناب از پرداخت مالیات شرکت را توضیح می دهند.

آماره دوربین واتسون نیز چون بین ۱/۵ تا ۲/۵ می باشد پس می توان نتیجه گیری کرد که بین جملات خطا در معادلات رگرسیون مشکل خودهمبستگی وجود ندارد.

در این تحقیق فرضیه اول به بررسی تأثیر تعداد اعضای کمیته حسابرسی بر اجتناب از پرداخت مالیات می پردازد.

H0: $\beta = 0$ = تعداد اعضای کمیته حسابرسی بر اجتناب از پرداخت مالیات تأثیر معناداری ندارد.

H1: $\beta \neq 0$ = تعداد اعضای کمیته حسابرسی بر اجتناب از پرداخت مالیات تأثیر معناداری دارد.

با توجه به جدول، منفی بودن ضریب متغیر تعداد اعضای کمیته حسابرسی (۰/۵۳۲-) حاکی از تأثیر معکوس تعداد اعضای کمیته حسابرسی بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت می باشد؛ به طوری که با افزایش ۱ واحدی تعداد اعضای کمیته حسابرسی، اجتناب از پرداخت مالیات شرکت به میزان ۰/۵۳۲ واحد کاهش می یابد. بنابراین با توجه به تجزیه و تحلیل های صورت گرفته در ارتباط با تایید فرضیه اول پژوهش می توان نتیجه گرفت که تعداد اعضای کمیته حسابرسی بر اجتناب از پرداخت مالیات تأثیر معکوس و معناداری دارد.

آزمون فرضیه دوم تحقیق

در این تحقیق فرضیه دوم به بررسی تأثیر استقلال هیئت مدیره بر اجتناب از پرداخت مالیات می پردازد.

H0: $\beta = 0$ = استقلال هیئت مدیره بر اجتناب از پرداخت مالیات تأثیر معناداری ندارد.

H1: $\beta \neq 0$ = استقلال هیئت مدیره بر اجتناب از پرداخت مالیات تأثیر معناداری دارد.

با توجه به نگاره (۸) منفی بودن ضریب متغیر استقلال هیئت مدیره (۰/۳۹۱-) حاکی از تأثیر معکوس تعداد استقلال هیئت مدیره بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت می باشد؛ به طوری که با افزایش ۱ واحدی استقلال هیئت مدیره، اجتناب از پرداخت مالیات شرکت به میزان ۰/۳۹۱ واحد کاهش می یابد. بنابراین با توجه به تجزیه و تحلیل های صورت گرفته در ارتباط با تایید فرضیه دوم پژوهش می توان نتیجه گرفت که استقلال هیئت مدیره بر اجتناب از پرداخت مالیات تأثیر معکوس و معناداری دارد.

آزمون فرضیه سوم تحقیق

در این تحقیق فرضیه سوم به بررسی تأثیر سودآوری بر اجتناب از پرداخت مالیات می پردازد.

H0: $\beta = 0$ = سودآوری بر اجتناب از پرداخت مالیات تأثیر معناداری ندارد.

H1: $\beta \neq 0$ = سودآوری بر اجتناب از پرداخت مالیات تأثیر معناداری دارد.

با توجه به نگاره (۸) منفی بودن ضریب متغیر سودآوری (۰/۲۴۷-) حاکی از تأثیر معکوس سودآوری بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت می باشد؛ به طوری که با افزایش ۱ واحدی سودآوری شرکت، اجتناب از پرداخت مالیات شرکت به میزان ۰/۲۴۷ واحد کاهش می یابد. بنابراین با توجه به تجزیه و تحلیل های صورت گرفته در ارتباط با تایید فرضیه سوم پژوهش می توان نتیجه گرفت که سودآوری شرکت بر اجتناب از پرداخت مالیات تأثیر معکوس و معناداری دارد.

آزمون فرضیه چهارم تحقیق

در این تحقیق فرضیه چهارم به بررسی تأثیر اهرم مالی بر اجتناب از پرداخت مالیات می پردازد.

$H_0 = \beta = 0$ = اهرم مالی بر اجتناب از پرداخت مالیات تأثیر معناداری ندارد.

$H_1 = \beta \neq 0$ = اهرم مالی بر اجتناب از پرداخت مالیات تأثیر معناداری دارد.

با توجه به نگاره (۸) مثبت بودن ضریب متغیر اهرم مالی (۰/۶۲۷) حاکی از تأثیر مستقیم اهرم مالی بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت می باشد؛ به طوری که با افزایش ۱ واحدی اهرم مالی شرکت، اجتناب از پرداخت مالیات شرکت نیز به میزان ۰/۶۲۷ واحد افزایش می یابد. بنابراین با توجه به تجزیه و تحلیل های صورت گرفته در ارتباط با تایید فرضیه چهارم پژوهش می توان نتیجه گرفت که اهرم مالی شرکت بر اجتناب از پرداخت مالیات تأثیر مستقیم و معناداری دارد.

آزمون فرضیه پنجم تحقیق

در این تحقیق فرضیه پنجم به بررسی تأثیر مدیریت سود بر اجتناب از پرداخت مالیات می پردازد.

$H_0 = \beta = 0$ = مدیریت سود بر اجتناب از پرداخت مالیات تأثیر معناداری ندارد.

$H_1 = \beta \neq 0$ = مدیریت سود بر اجتناب از پرداخت مالیات تأثیر معناداری دارد.

با توجه به نگاره (۸) مثبت بودن ضریب متغیر مدیریت سود (۰/۱۱۸) حاکی از تأثیر مستقیم مدیریت سود بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت می باشد؛ به طوری که با افزایش ۱ واحدی مدیریت سود در شرکت، اجتناب از پرداخت مالیات شرکت نیز به میزان ۰/۱۱۸ واحد افزایش می یابد. بنابراین با توجه به تجزیه و تحلیل های صورت گرفته در ارتباط با تایید فرضیه پنجم پژوهش می توان نتیجه گرفت که مدیریت سود بر اجتناب از پرداخت مالیات تأثیر مستقیم و معناداری دارد.

نتایج آزمون مربوط به متغیرهای کنترلی

در بررسی معنی داری ضرایب با توجه نتایج ارائه شده؛ از آن جایی که احتمال آماره t برای ضرائب متغیرهای اندازه شرکت، ریسک سیستماتیک و فرصتهای رشد کوچک تر از ۰/۰۵ می باشد؛ در نتیجه این متغیرها بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت تأثیر معناداری دارند.

منفی بودن ضریب متغیر فرصتهای رشد حاکی از تأثیر معکوس فرصتهای رشد بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت می باشد؛ و مثبت بودن ضریب متغیرهای اندازه شرکت و ریسک سیستماتیک؛ حاکی از تأثیر مستقیم اندازه شرکت و ریسک سیستماتیک بر اجتناب از پرداخت مالیات است. نسبت جریانهای نقدی عملیاتی نیز تأثیری بر اجتناب از پرداخت مالیات ندارد.

بحث و نتیجه گیری

بحث و بررسی فرضیه نخست پژوهش

وجود یک نظام حاکمیت شرکتی نیرومند و مستحکم در شرکتها، رفتار فرصت طلبانه و سودجویانه مدیران را محدودتر می کند و عامل مهمی در کاهش تمایل مدیران برای مدیریت سود می باشد. بنابراین کیفیت و ویژگی قابل اعتماد بودن گزارشگری مالی بهبود خواهد یافت. بنابه دلایلی مانند وجود امتیاز ویژه در رفتار مالیاتی، اصول کلی وضع مالیات و کاستی هایی در قوانین و مقررات مالیاتی ممکن است برای مؤدیان فرصت استفاده از راهکارهای قانونی جهت کاهش و یا عدم انجام تعهد مالیاتی آنان فراهم آید. بحث حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی؛ به نظر می رسد در مورد شرکت های با جدایی مالکیت بیشتر مطرح باشد، زیرا افراد حقیقی به خاطر وجود احتمال کشف و جریمه شدن و ریسک گریزی و یا انگیزه های درونی مثل وظیفه اجتماعی کمتر درگیر فرار و اجتناب مالیاتی میشوند. در شرکتها سهامداران به طور معمول، انتظار دارند که مدیران بدنبال منافع شخصی خود باشند و تا مادامی که منافع اضافی حاصل از کاهش بدهی های احتمالی بیشتر از هزینه اضافی مورد انتظار برای آنها باشد، بدنبال کاهش بدهی های مالیاتی و اجتناب مالیاتی باشند.

بنابراین، اجتناب مالیاتی می‌تواند انعکاسی از نظریه مسأله نمایندگی باشد و ممکن است منجر به تصمیمات مالیاتی شود که منافع شخصی مدیر را دنبال کند. لذا یکی از چالش‌های پیش روی سهامداران و هیأت مدیره، یافتن روش‌ها و انگیزه‌های کنترلی است تا هزینه‌های نمایندگی را به حداقل برسانند. میزان اهرم مالی در ساختار سرمایه اصولاً یکی از موضوعات مهم در تئوری مدرن مالی می‌باشد که تنها در سال‌های اخیر مطرح نشده، بلکه کانون توجه محققین در چند دهه‌ی اخیر بوده است. نیاز به تأمین مالی از آنجا ناشی می‌شود که اولاً ارزش شرکت‌ها موجب می‌گردد که برای خرید دارایی‌های جدید، افزایش ظرفیت کارخانه، استخدام نیروی جدید و خرید مواد اولیه، نیاز به وجوهی احساس شود و این وجوه مالی در قالب منابع مالی مطرح می‌شود. تحقیقات نشان داده‌اند شرکت‌هایی که از میزان بالای اهرم مالی برخوردارند؛ بعلت افزایش در ریسک ورشکستگی؛ بیشتر اقدام به اجتناب مالیاتی می‌کنند (حاجی پور و مؤمنی، ۱۳۹۳). مدیریت سود به رفتار آگاهانه‌ای اطلاق می‌شود که از جانب مدیریت شرکت و به طور عمدی برای کاهش نوسان‌های دوره‌ای سود انجام می‌شود. به طور عام، پژوهشگران بر این باورند که سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که دارای یک روند سودآوری یکنواخت و ثابت باشند و شرکت‌هایی که سود پر نوسانی گزارش می‌کنند، ریسک بیشتری نسبت به شرکت‌های دیگر دارند. تحلیلگران مالی، سود را به عنوان یک عامل اساسی در بررسی‌ها و قضاوت‌های خود مد نظر قرار می‌دهند. به همین دلیل، مدیران برای نشان دادن تصویری مطلوب از شرکت و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری انگیزه‌ای قوی دارند تا سود را مدیریت کنند (یوجا و برؤسا، ۲۰۱۱). در بیشتر کشورها، بخش عمده‌ای از منابع درآمدی دولت، از طریق مالیات تأمین می‌شود. سهم مالیات از کل درآمدهای عمومی در میان کشورها، متفاوت است و میزان آن بستگی به سطح توسعه و ساختار اقتصادی آن‌ها دارد. در این میان، فرار مالیاتی و اجتناب از مالیات در کشورها باعث شده است تا درآمدهای مالیاتی کشورها، همواره از آنچه که برآورد می‌شود کمتر باشد. در فرار مالیاتی، عوامل اقتصادی از ارائه گزارش درست در مورد درآمدهای حاصل از کار یا سرمایه خود که مشمول پرداخت مالیات می‌شود، امتناع می‌کنند در واقع یک نوع عمل غیر رسمی انجام می‌دهند که مالیات را از چشم مقامات دولتی و مالیاتی کشور دور نگه دارند. گرچه در بسیاری از موارد عوامل اقتصادی نگران نیستند که عملشان افشا شود (آیت و عرب مازار، ۱۳۹۳). اجتناب از مالیات، از خلاءهای قانونی در قانون مالیات‌ها نشأت می‌گیرد و عوامل اقتصادی به منظور کاهش قابلیت پرداخت مالیات خود دنبال راه‌های گریز می‌گردند. در نظام مالیاتی سه گروه عوامل اجتناب مالیاتی؛ سازمانی، قانونی و ساختاری وجود دارد که عامل سازمانی بیشترین تأثیر را در ایجاد اجتناب از مالیات داشته است. در واقع، مالیات اغلب از سوی سازمان‌ها به عنوان بار تلقی شده و مدیران به دلیل حجم فروش زیاد، نقدینگی، سرمایه در گردش بالا و درآمد مناسب در مقایسه با سایر سازمان‌ها تمایل به کاهش مالیات و در نتیجه اجتناب از مالیات دارند. با توجه به مبانی نظری تحقیق؛ اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند منابع مالی را در اختیار شرکت قرار دهد که موجب افزایش سودآوری و کاهش اهرم مالی شرکت گردد که همراه با دستکاری در صورت‌های مالی و مدیریت سود خواهد بود و در نقطه مقابل آن هم می‌تواند موجب بی‌اعتباری شرکت و افزایش هزینه نمایندگی شود (بهاروند احمدی، ۱۳۹۲). مدیرانی که دنبال منافع شخصی خود هستند ساختار شرکت را پیچیده‌تر کرده و معاملاتی را که باعث کاهش مالیات می‌شود، انجام می‌دهند و از این طریق منابع شرکت را در جهت منافع شخصی خود به کار می‌گیرند. وجود ماموران مالیاتی قوی باعث افزایش نظارت بر کار مدیران و کاهش سوء استفاده از منابع داخلی شرکت‌ها شده و حاکمیت شرکتی ضعیف باعث افزایش در سطح اجتناب مالیاتی می‌شود. خلأیی که موجب انجام این تحقیق شده است این است که به عقیده مدیران شرکت‌ها؛ سیستم مالیاتی در ایران نواقص زیادی دارد و عدالت در سیستم امور مالیاتی کمتر دیده می‌شود. همچنین دولت توانسته به واسطه دریافت مالیات، خدمات مورد انتظار را انجام دهد. این امر انگیزه‌ای برای اجتناب از پرداخت مدیران از مالیات پرداختی شده که به نظر می‌رسد این منابع مالی ناشی از اجتناب مالیاتی، می‌تواند بر عملکرد شرکت و استفاده از فرصت‌های سرمایه‌گذاری تأثیرگذار باشد. با توجه به مطالب فوق هدف

اصلی تحقیق حاضر پاسخ به این سؤال می‌باشد که مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی، سودآوری، اهرم مالی و مدیریت سود چه تأثیری بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد؟

پیشنهادات برای پژوهش‌های آتی

- با توجه به نتایج تحقیق به دانشجویان پیشنهاد می‌شود موضوع این پژوهش را در زمینه‌های زیر انجام دهند:
۱. بررسی تأثیر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی، سودآوری، اهرم مالی و مدیریت سود بر اجتناب از پرداخت مالیات به تفکیک صنعت در بورس اوراق بهادار تهران
 ۲. مطالعه تأثیر نوع مالکیت بر روی روابط بین مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی، سودآوری، اهرم مالی و مدیریت سود با اجتناب از پرداخت مالیات.
 ۳. بررسی عوامل مؤثر بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌ها با استفاده از الگوریتم ژنتیک و شبکه‌های عصبی مصنوعی
 ۴. بررسی تأثیر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی، سودآوری، اهرم مالی و مدیریت سود بر اجتناب از پرداخت مالیات به تفکیک مراحل چرخه عمر در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران.

منابع

- ✓ نوبخت، یونس، نوبخت، مریم، (۱۴۰۰)، تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر معیارهای حسابداری و اقتصادی عملکرد شرکت: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه حسابداری، پاسخگویی و منافع جامعه، آماده انتشار.
- ✓ حاجیان، نجمه، بیات، الهه، حبیبی، رضا، (۱۳۹۹)، بررسی تأثیر ریسک مالیاتی و اجتناب مالیاتی بر هزینه استقراض، نشریه چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۳، شماره ۳۰، صص ۳۲-۵۴.
- ✓ وطن خواهان اصفهانی، وجیهه، (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی با نقش میانجی گر مشوق ها، پنجمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری، تهران.
- ✓ کاشانی‌پور، محمد، فرجی، امید، برجی، پرینا، (۱۳۹۸)، ارتباط سیاسی، راهبری شرکتی و تهور مالیاتی، مجله دانش حسابداری، دوره ۱۰، شماره ۴، صص ۱۴۳-۱۷۵.
- ✓ قرنچیک، آرزو، گرکز، منصور، (۱۳۹۷)، بررسی رابطه بین برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری، دوره ۱۸، شماره ۷۰، صص ۱۷۵-۱۹۳.
- ✓ میرمحمدی، علیرضا، صادقی، حسین، شکیبایی، علیرضا، (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر عوامل موثر بر ارتقای تمکین مودیان مالیاتی، فصلنامه مفید، شماره ۲۷، صص ۵۵-۷۶.
- ✓ فروغی، داریوش، احمدی، نوشین، (۱۳۸۹)، بررسی رابطه بین ترکیب سهام‌داران و کیفیت اقلام تعهدی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابداری، شماره ۵.
- ✓ علی پور، رامین، شیخی گرجان، مینا، آقاجانی، وحدت، (۱۳۹۹)، تاثیر اندازه شرکت بر رابطه بین ساختار سرمایه و ورشکستگی مالی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، چشم انداز حسابداری و مدیریت دوره دوم شماره ۱۴، صص ۱-۱۸.
- ✓ Daskalakis, N., & Psillaki, M. (2005). The Determinants of Capital Structure of the SMEs: Evidence from the Greek and the French firms. In XXIIInd Symposium on Banking and Monetary Economics, Strasbourg.
- ✓ Dhawan, A., Kim, M.H., Ma, L.(2020). Effect of Corporate Tax Avoidance Activities on Firm Bankruptcy Risk, Journal of Contemporary Accounting & Economics.

- ✓ Eldersoun .L. Mushi, Reuben Jacob. (2018), Intellectual Capital and Public University Libraries: a Knowledge Sharing Perspective (A thesis submitted in partial fulfilment of the requirements for the award of the International Master in Digital Library Learning), Senior Lecturer, Archives & Records Management School of Information Management Victoria University of Wellington, Wellington, New Zealand.
- ✓ Hsieh, T.S., Wang, Z., Demirkan, S. (2018). Overconfidence and tax avoidance: The role of CEO and CFO interaction. *Journal of Accounting and Public Policy*, 37(3), 241-253.
- ✓ Lem, T.J., Leman, F.P. (2021). Corporate Tax Avoidance and Public Debt Costs. <https://doi.org/10.2139/ssrn.2228601>.
- ✓ McLing ،G. (2014). Governance ،Taxation and Accountability: Issues and Practices ،DAC Guidelines and Reference Series ،Paris.
- ✓ Pudiantie, J., Rui, J. (2015). The impact of tax avoidance on enterprise investment efficiency. *Journal of Discrete Mathematical Sciences and Cryptography*, 21(6), 1293-1298.
- ✓ Revena, G.S., Kaur, P., Seoungpil, A. (2014). Corporate governance and the sensitivity of investments to cash flows. *Accounting & Finance*, 58(2), 367-396.
- ✓ Rikardo, L (2018). "Knowledge Management in libraries and organizations". series: IFLA publications services 173. Berlin, Munich: De Gruyere Saur.
- ✓ Rinae ،A ،G. ،Brown ،R. Weston J.F. (2014). The Canadian small business-bank interface: A recursive model. *Entrepreneurship: Theory and Practice* 18(4):5-24.
- ✓ Sogorb ،F. (2013). How SME uniqueness affects capital structure : evidence a 2009-2015 Spanish data panel. *Small business economics* ۴۵، (5)۴۵۷-۴۴۷ ،
- ✓ Ujah, N., & Brusa, J. O. (2011). Earnings management, financial leverage, and cash flow volatility: Do economic conditions matter?. *Financial Leverage, and Cash Flow Volatility: Do Economic Conditions Matter*.

